

ترفندی آرامش بخش

(این نوشتار به وحی الهی ست)

در شبی که در آنیم به شهریارمان نوید میدهیم که دو پدیده ای که مدتهاست انتظارشان را داشته برایش ایجاد میگردند. دلدارانای که در عالم قدس در کنار هم بودند امشب در آرامشی نمادین بسر میبرند. این در حالیست که شهریار ولی در دل بر این تصور است که کار تازه ای را برایش رقم زده ایم و بزودی در مدار آن قرار میگیرد. حال با این نوشتار این فرضیه را در ذهن فرزند رد نموده اظهار میداریم که فرصت احراز کار تازه ای برایش نخواهد بود. این بدین خاطر است که در فردای ین نوشتار ظهور شهریار ولی صورت میپذیرد و در ابتدای صبحدم این دوران فتور و انتظار بسر خواهد رسید. دلهای مردم ایران برای ظهور یک رهبر الهی که خدشه ای در او راه نمیابد تشنگی میکرده اند بدون اینکه بدانند یا باور کنند که چنین آرزویی در حیطه محال نبوده است. ما پروردگار که در بن جان شهریارمان حضور داریم با التیامی که باو میدهیم هرگونه ناراحتی و تشویش را فرونشانده احساس آرامش و دلگرمی را جانشینش میسازیم. ترفندی که را که برای اینکار مورد استفاده قرار میدهیم معمولاً پیامگونه یا در قالب شعری میتواند بود. یکی از این ترفندها که برای آرامش بخشیدن به شهریارمان بکار بردیم اینبود که به تدبیر ما از ناحیه اشتغال به شهریار ولی تلفنی شد که ویرا به آینده پیش رو دلگرم ساخت. این تلفن برای فرزند و نیز همسرش بهناز همانند آبی بر آتش اثربخش بود و به آنان برای رفع تشویشی که بدلیل از دست دادن اشتغال پیش آمده بود کمک شایانی کرد. عشق شهریار ولی اکسیری ست که دلهای عالمیان را بسرعت محسور خود نموده همچون نسیمی از بهشت ناراستی و کجراهی را در وجود شیفتگانش منکوب میسازد. عالم اینرا بداند...